

سال افراد با وضع خیلی سختی این جا زندگی می‌کردن و یکی از حاشیه‌های خیلی فقیر به حساب میاد، نیومدن.» در بقالی‌اش را می‌بندد. تا ساختمان‌های نیمه‌کاره را نشان مان دهد. به جز بقالی حاج‌احمد که در آن هم میوه دارد، هم کفش و هم باقی خوراکی‌ها، دو بقالی دیگر در کرک و سیمون هست. چند حاشیه‌نشین کوچک دیگر هم پشت‌پشت آنها زندگی می‌کنند که بعضی از آنها قرار است در ساختمان‌های جدید قلعه ساکن شوند.

«۱۰ میلیون اولیه و کمیته امداد به‌عنوان پیش‌قسط داد. بنیاد مسکن و بنیاد برکت هم ۲۰ میلیون وام دادن که در قسطی ۱۰ ساله باید بازپرداخت شه. تا اونموقع حق اجاره دادن و فروش خونه‌ها وجود نندارد. بعدش خونه‌ها به نامشون زده میشه. خیلی‌ها میگن همین مقدار وام هم نمی‌تونن پرداخت کنن.» خانه‌ها دو طبقه و سه طبقه‌اند و سقف‌شان هم قرار است شیروانی‌دار باشد تا امکان ساخت‌وساز روی آن وجود نداشته باشد. ۵۱ خانه ۶۰متری برای ۵۱ خانواده با بچه‌های بسیار. بچه‌هایی که خیلی از آنها رنگ مدرسه رایبه خود ندیده‌اند اما حالا ساکن مدرسه‌اند تا خانه‌شان آماده شود. خانم قربانی هم مدیر مدرسه است و هم معلم. یک همراه هم به کمکش آمده تا ۲۸ دانش‌آموز مدرسه را آموزش دهند. «بچه‌ها این جا در فقر شدید بهداشتی هستن. کمک‌های مردمی زیادی می‌میدان این جا اما انگار اثری نداره، چون فقط نشستن منتظر کمک، خودشون کاری نمی‌کنن. کمک‌ها باید درست و کنترل شده باشه. از طرفی مادرها میان میگن خانم خودتون می‌دونین. این بچه ما.» هر بار که جلسه برای اولیا می‌گذارند فقط یک یا دو مادر می‌آیند که آنها هم نظری درباره تحصیل بچه‌ها ندارند.

«اغلب مادرها بی‌سوادند و مشغول کار روی زمین یا هر جای دیگه که کار باشه.» بچه‌های چند پایه در کنار هم درس می‌خوانند. پایه اول، چهارم و پنجم یک معلم دارند. دور هم می‌نشینند و سر مشق می‌گیرند. «برای معلم تدریس چند پایه همزمان خیلی سخته. ده عباس کلاس ششم هم داره اما دوره به این جا برای همین بچه‌ها اغلب تا پایه پنجم بیشتر درس نمی‌خوانن.» حالا به تمام مشکلات خانم قربانی چادرهای نشسته در مدرسه هم اضافه شده است. «بچه‌های کوچکتر از حیاط میان تو کلاس و همه‌جا سروصداست.» می‌گوید آن قدر خسته می‌شود که نای رفتن به خانه را ندارد. سهیلا هنوز بامیه‌ها را از پوست درمی‌آورد. یک گونی تمام شده. نیمه‌دوم سال کار کمتر است

نمی‌تواند کاری کند. می‌گوید از این زمین‌ها گذشتیم ولی به شرط آن که کسی که به این خانه‌ها می‌آید واقعا مستحق باشد. «وضع این جا خیلی بد شده بود. آبروی ساکنان این جا در خطر بود اما هستن کسانی که محتاج نیستن. فقط این جا رو غصب کردن. شغل زیاده اما کار نمی‌کنن. خیلی‌ها معتادند. میگن اگه بریم سرکار برای کمک میان و شامل حال ما نمیشه. برای همین هم کار نمی‌کنن. باید شناسایی کنن نیازمندان واقعی را. شنیدم پرسی گفتن بعد از سیل گرگان اومدن که نادرسته. برای بازماندگان سیل خونه ساختن. تلفات جانی این حوادث جبران نمیشه اما تلفات مالی تا حدودی میشه. اینها برای کار اومدن. همین.»

می‌گوید خودش چند نفری را پیدا کرده که در جعفرآباد خانه داشتند و برای همین هم باید تحقیق شود در اداره ثبت که آیا ملکی، خودرویی چیزی به نام افراد هست یا نه. زن‌ها حالا فقط می‌خواهند سرپناه‌شان آماده شود و کاری باشد تا غذایی سر سفره ببرند. تشت را هل می‌دهد نزدیک چادر. لباس‌ها را روی بند آویزان می‌کند. «دخترم رو بین ۱۶ سالشه. به دختر سه ساله داره. خودم مریضم. باید جراحی شم. بیمه روستاییان بودم اما شامل هیچی نمیشه. باید گلوومو عمل کنم.»

کمک‌های بی‌حساب مردمی
قلعه دینارون بالاتر از آبادی کرک هم از قلعه‌های باقی مانده از زمان قاجار است. میراث‌فرهنگی روی آن دست گذاشته و حالا مدت‌هاست که خالی از سکنه است. هر چند محلی‌ها می‌گویند چیزی ارزش‌داری در دینارون هم پیدا نشده اما برخلاف قلعه سیمون که کسی برای دیدنش نیامد، میراث‌فرهنگی گذرش به دینارون افتاد. معمارزاده اما عدم توجه به قلعه‌هایی از این دست را به این دلیل می‌داند که اغلب جاذبه تاریخی ندارند و همچنین میراث‌فرهنگی نیرو و امکانات برای بازسازی آنها را ندارند. «دو خانه داریم اطراف کارخانه طریق شورا نامه‌نگاری کردیم. کوثر می‌گفت ما تمام منافعمون رو یکجا می‌فروشیم. اگر در قلعه ساختمان‌ها هم داریم باید وضع فرق می‌کرد باید وضع را مشخص می‌کردند. اما حالا ۲۵۰۰ متر زمین که مربوط به قلعه میشه رو یکجا از شون گرفتن و دارن میسازن.» حاج احمد هم از نو شدن قلعه راضی است و هم ناراضی. می‌گوید زمین‌ها مال ما بود اما حالا دیگر نیست و اگر پای سند دوپواره زمین که هزار متر است را امضا نکند، فروش مال غیر به حساب می‌آید و سازمان اقتصادی کوثر هم دست گذاشت و معارض مالکینی شد که به گفته خودشان نسق داشتند. سازمان هم سند داشت برای همین هم نه اجازه تعمیر می‌داد و نه اجازه ساخت‌وساز. «۱۰ سال کشمکش داشتیم. از طریق شورا نامه‌نگاری کردیم. کوثر می‌گفت ما تمام منافعمون رو یکجا می‌فروشیم. اگر در قلعه ساختمان‌ها هم داریم باید وضع فرق می‌کرد باید وضع را مشخص می‌کردند. اما حالا ۲۵۰۰ متر زمین که مربوط به قلعه میشه رو یکجا از شون گرفتن و دارن میسازن.»

دست گذاشت و معارض مالکینی شد که به گفته خودشان نسق داشتند. سازمان هم سند داشت برای همین هم نه اجازه تعمیر می‌داد و نه اجازه ساخت‌وساز. «۱۰ سال کشمکش داشتیم. از طریق شورا نامه‌نگاری کردیم. کوثر می‌گفت ما تمام منافعمون رو یکجا می‌فروشیم. اگر در قلعه ساختمان‌ها هم داریم باید وضع فرق می‌کرد باید وضع را مشخص می‌کردند. اما حالا ۲۵۰۰ متر زمین که مربوط به قلعه میشه رو یکجا از شون گرفتن و دارن میسازن.» حاج احمد هم از نو شدن قلعه راضی است و هم ناراضی. می‌گوید زمین‌ها مال ما بود اما حالا دیگر نیست و اگر پای سند دوپواره زمین که هزار متر است را امضا نکند، فروش مال غیر به حساب می‌آید و سازمان اقتصادی کوثر هم دست گذاشت و معارض مالکینی شد که به گفته خودشان نسق داشتند. سازمان هم سند داشت برای همین هم نه اجازه تعمیر می‌داد و نه اجازه ساخت‌وساز. «۱۰ سال کشمکش داشتیم. از طریق شورا نامه‌نگاری کردیم. کوثر می‌گفت ما تمام منافعمون رو یکجا می‌فروشیم. اگر در قلعه ساختمان‌ها هم داریم باید وضع فرق می‌کرد باید وضع را مشخص می‌کردند. اما حالا ۲۵۰۰ متر زمین که مربوط به قلعه میشه رو یکجا از شون گرفتن و دارن میسازن.»



نگاهی به وضع اهالی قلعه هزار اردک بعد از شروع ساخت‌وساز از حصار قلعه به حیاط مدرسه

مالک‌ها، سال‌ها ساکن قلعه بودند. بعدها سازمان اقتصادی کوثر بر زمین‌های این منطقه دست گذاشت و برایش سند رو کرد، اجازه ساخت‌وساز و تعمیر هم از قلعه برداشته شد و مجبور شدند به زمین‌های مجاور بیایند و خانه نو برای خودشان بسازند. اما کارگران نصفه کار همچنان ساکن قلعه ماندند. مهدی حاج احمد، رئیس شورای روستا که خودش را خرده‌مالک می‌داند، می‌گوید: «من تو قلعه به دنیا اومدم. اون سال‌ها خونه‌ها سرپا بود. هر چند از خشت و گل بود اما میشد توش زندگی کرد. ما به افراد ساکن در این جا گفتیم بیان این جا برای کار. به سری اومدن فکر کردن صاحب این جان و باید بمونن.»

رعیت‌هایی که خان شدند
خرده‌مالک‌ها هم زمانی روی زمین‌های این جا کارگری می‌کردند. آن وقتی که برادر احمدشاه قاجار از ترس قشون قزاق راهی این سمت شهر شد که آن موقع بیابان بود و بدون سکنه. شاهزاده قجری، صد هکتار از زمین‌های این جا را خرید و کارگر با خودش آورد تا از دست غضب رضاخان-شاه جدید- در امان بماند. قلعه‌های برای خودش بنا کرد که بعدها اسمش شد قلعه سیمون یا هزار اردک و بعدها این جا رونق گرفت و کارگران دیگری را هم به این سو گسیل کرد. قلعه سیمون هم از آن دست قلعه‌هاست که مهدی معمارزاده، کارشناس میراث‌فرهنگی آنها را قلعه اربابی می‌داند و می‌گوید: «بعضی از قلعه‌ها که می‌ساختند از نوع اربابی بود و رعیت در کنار خان در آن جا زندگی می‌کردند. از این نمونه در ورامین هم زیاد است. قلعه عظیم‌آباد هم از این نوع است. اربابی بوده و با قلاع نظامی فرق می‌کرده اما خبری از گاز نیست.» شب

فرغ فکری | مردها نشسته‌اند در چادر و فقط یکی از آنها سوار بر موتور در حیاط مدرسه منتظر است تا دانه‌های بامیه را که سهیلا از پوست درمی‌آورد، با خودش ببرد. اینها را می‌برند برای کاشتن در زمین‌های اطراف قلعه سیمون اسلامشهر. همان جا که سال‌ها کارشان کشاورزی بوده. همان قلعه‌ای که حالا خرابش کرده‌اند تا برای این ۵۱ خانوار خانه جدید بسازند. ۱۸ خانواده ساکن مدرسه شده‌اند. ۸ خانواده هم ساکن انباری هستند در نزدیکی مدرسه و بقیه هم در خانه اهالی روستای کرک کسی انبار یا مغازه‌ای را خالی کرده تا وسایل‌شان را آن جا بگذارند. در مدرسه چهار طاق باز است. رفت‌وآمد آزاد. بچه‌ها دنبال هم می‌کنند.

می‌گردند دور چادرهای سفیدی که منظم روی زمین برپا شده. می‌گردند دور چادرهایی که خانه‌شان است و دو ماه است از «قلعه» آمده‌اند این جا و همسایه کلاس‌های درس‌شان شده‌اند. رنگ تفریح است و حیاط مدرسه که حالا حیاط خانه‌شان شده، پر است از بندرخت. یکی دو زن از داخل چادر سرک می‌کشند و بعد خودشان را می‌پنجند در چادری که روی سرشان است. «گفتن به ما دیگه خونه‌ها مون آماده میشه اما گمون نکنیم»، می‌گوید و چنگ می‌زند به جان لباس‌ها. آب و کف شوره می‌کند به کف سیمان انبار. پایش را سد می‌کند مقابل آب که از تشت بیرون آمده تا مبادا راهش را راجع کند به طرف چادر و فرش و پشتی‌ها خیس شوند. دیوارهای انبار که رویه‌روی مدرسه است، قدشان بلند است. سیم‌های برق راهشان را به چادر باز کرده‌اند اما خبری از گاز نیست. «شب از سرما مردیم. هیچ وسیله گرمایی نیست. آتیش هم که نمیشه روشن کرد». برای حمام و دستشویی به مدرسه می‌روند. مدرسه هم دو سرویس بهداشتی و یک حمام دارد برای ۲۵۰ نفر. «باید تحمل کرد تا خونه‌ها آماده شه». بعضی ساکنان ۳۰ ساله قلعه‌اند. از زور بیکاری آمدند این جا تا نصفه کار زمین اربابی شوند که چند هکتار زمین کشاورزی دارد. بعضی هم عمر مانندن‌شان در قلعه «سیمون» ۱۵-۴ سال است. زهرا اما یک‌سال است که از گنبد راهی این جا شده. کشاورزی روی خوشی نداشتند و فامیل‌های ساکن در این جا گفتند بیایند. «کاش نیامده بودیم. کاش گنبد خیلی خوب بود. قبیلش هم که زایل بودیم. مثل اکثر آدم‌های این جا که اهل زابلن». ۱۶ سالگی‌اش تمام نشده و عسالم است که روی زمین کار می‌کند. کارخانه پیسته. در خانه‌ها مثل زنان دیگر سیمون که اگر درس خوانده باشند پنج کلاس بیشتر سواد ندارند. دم پخت گوجه را از روی گاز برمی‌دارد.

«چهار تا اجاق گاز داریم که با کپسول کار می‌کنه. بچه‌ها میان گاز رو باز می‌کنن. گاز هدر میره. مثلا می‌خوان بازی کنن. وسیله بازی نیست با کپسول گاز بسازی می‌کنن.» قدیمی‌های ساکن قلعه سیمون زابلی‌اند که بیکاری آنها را راهی این سر دنیا کرده و هنوز هم از بیکاری می‌نالند. می‌گویند کار نیست و وضع کشاورزی خراب است و اگر هم کاری باشد دور است «وسیله رفت‌وآمد نداریم». یکی از خانم‌ها می‌گوید دوسال است در رفت‌وآمد بین گرگان و این جاست. «وضع کشاورزی اون جا هم خرابه. تمام این مدت نتونستیم کرایه رفت‌وآمدمون رو در بیاریم»- زمین‌ها ۱۲ سهم دارد و چند مالک که در زمان اصلاحات ارضی سنداندار شد. همان‌هایی که حالا خودشان را خرده‌مالکینی می‌دانند که باعث شدند اهالی قلعه سیمون برای کشاورزی به این جا بیایند. همان‌ها که خانم‌های ساکن در چادر می‌گویند وقتی برای تخریب قلعه و نوسازی آمدند، مانع شدند. «ارباب‌ها شورش کردن. دلشون نمی‌خواست این جا ساخته شه ولی زورشون نرسید.»



تقلیل طرح پژوهشی به ساخت‌وساز

جاوید سبحانی | پژوهشگر طرح‌شناسایی مسائل و نیازهای قلعه سیمون

دیگر این است که مداخله به روش ساخت‌وساز در منطقه‌ای چون قلعه سیمون شاید در ابتدای امر اتفاقی مثبت باشد اما در سال‌های بعد ممکن است نتایج آن باشیم. یکی از نتایج می‌تواند این باشد که گروه‌های مشابه برای به دست آوردن امکانات مشابه، دست به بازتولید حاشیه در اطراف شهر بزنند که این خود خطر بسیار بزرگی است. خطری که مدت‌هاست پژوهشگران بر آن تاکید دارند حال آنکه مقوله مهمی چون فرزندایی اسیر مداخلات ناگهانی یا کارهای خیریه‌بی‌حساب و کتاب شده‌است.

می‌تواند عوارض گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. همه می‌دانیم چه تعداد حاشیه با مشکلات گسترده در طول سالیان متمادی ایجاد شده است که حالا ساکنان هر کدام می‌خواهند مداخله‌ای از این دست در انجام شکل بگیرد. این حاشیه‌ها محصول امسال و سال قبل نیستند، بلکه به دلیل سیاست‌های نادرستی است که در طول زمان اعمال شده و در حال حاضر هم راهی از چنین معضلی یک ساله و دو ساله ممکن نیست. باید برنامه‌ریزی شود و به‌واقع از پژوهش‌هایی که انجام می‌گیرد کمک گرفته شود. نکته مهم

